



شادروان استاد عبدالحسین زرین کوب از جمله مفاخر علمی و فرهنگی ایران زمین است که در هر رشته‌ای - اعم از ادبیات، هنر، تاریخ ایران و اسلام - دست به قلم برده، گوی سبقت از دیگران ربوده و میراثی ماندگار از خود بر جای نهاده است. استاد تألیفاتی چند درباره تاریخ اسلام و نقش سرنوشت‌ساز آن مکتب در فرهنگ و تمدن ایران و جهان دارد که از جمله این آثار می‌توان به کتاب **بامداد اسلام** اشاره نمود.

بامداد اسلام برای نخستین بار از سوی انتشارات امیرکبیر در سال ۱۳۴۶ و در ۱۷۳ صفحه به زیور طبع آراسته گردید و شامل فهرست مطالب، یادداشت نویسنده، هجده فصل یا عنوان است که از «اعراب و کعبه» آغاز می‌شود و آنگاه به زندگی پیامبر اسلام (ص) تحت عنوان «پیغمبر (ص) در مکه» می‌پردازد. بعد از آن «پیغمبر (ص) در مدینه» تا آنکه پیامبر (ص)، مکه را فتح می‌کند و شرح آن را در «محمد (ص) فاتح مکه» می‌آورد. فصل دیگری را به نام «پیام محمد (ص)» می‌آورد و بعد از آن «بیماری و مرگ» را سرفصل آخر حیات حضرت محمد (ص) قرار می‌دهد و آنگاه از «یادگار محمد (ص)» یاد می‌کند.

در فصل هشتم به «یاران پیغمبر (ص)» پرداخته و پس از آن به دو تن از اصحاب آن پیام‌آور عظیم‌الشان تحت عنوان «دو پیر» اختصاص داده که در همین دوران فتوحات اسلام آغاز می‌شود لذا فصلی را بازنموده تحت نام «شام و اسکندریه» و آنگاه «اسلام در ایران» را بررسی می‌کند.

به دوران خلیفه سوم یعنی عثمان بن عفان که می‌رسد عنوان «دوره آشوب» به آن داده و به زمان بعد از عثمان و دوران حکومت حضرت علی (ع) با عنوان «درباره علی» می‌پردازد.

زمان حکومت بنی‌امیه را که بعد از شهادت حضرت علی (ع) رسماً آغاز می‌شود، با نام «آغاز حکومت عربی» به بررسی می‌نشیند. حکومت بعد از معاویه بن ابی‌سفیان را با بازیابی «کارنامه یزید» ادامه داده و سپس «خاندان پیغمبر» را در همین دوران به خواننده نشان می‌دهد. و در نهایت به وضع «مروانیان» پرداخته و سر «انحطاط و سقوط دولت عربی» را روشن می‌کند. پایان کتاب را به ذکر «گزیده مأخذ» و «فهرست اسامی اشخاص»، «فهرست اماکن»، «فهرست کتاب‌ها» و «فهرست قبایل، سلسله‌ها، فرق و خاندان» اختصاص می‌دهد.

مرحوم زرین کوب در یادداشت خود بر کتاب - که

به منزله دیباچه کتاب است - انگیزه خود را از تالیف کتاب **بامداد اسلام** متذکر شده و آن را به یاد برادر شاعرش «خلیل ذره» به رشته تحریر درآورده تا پاسخی باشد به درخواست آن عزیز از دست رفته که از استاد طلب نوشتن کتابی در زمینه پیدایش و توسعه شگفت‌انگیز دین بزرگ اسلام داشته است.^۱

استاد زرین کوب برای پاسخ‌گویی به خواسته برادرش در بیان چنین داستان «جاندار، چنین گونه‌گون و چنین دور و دراز»^۲ بر آن است تا آن جا که در طاقت اوست از هر گونه میل و هوی بر کنار باشد و جز بر اسناد کهن تکیه نکند و جز از روایات روشن چیزی نیاورد، چرا که «تاریخ نه جای تعصب است».^۳ خواننده نیز با مطالعه کتاب درمی‌یابد که شادروان استاد زرین کوب به این وعده خویش به راستی وفا کرده و جز تکیه بر اسناد تاریخی، هیچ جا عقیده دینی و مذهبی خود را دخالت نداده است و کاملاً اصل بی‌طرفی در تحریر و تقریر تاریخ را رعایت نموده است. این بی‌طرفی به گونه‌ای است که حتی در بعضی مواقع برای رعایت «عدم تعصب» چه بسا حقایق تاریخی به گونه‌ای دیگر جلوه‌گر شده که در جای خود تذکر داده خواهد شد.

بامداد اسلام در مقایسه با آثار دیگر استاد - که در دوران پختگی علمی وی به نگارش درآمده‌اند - بدور از الفاظ مغلق و نثری سنگین است بلکه کاملاً با نثری شیوا و قلمی روان به نگارش درآمده است و در بیان حوادث سرنوشت‌ساز تاریخ اسلام به ویژه آن جا که مطالب از ذهن استاد فرزانه تراوش کرده و با تحلیل‌های جاندار وی عجین شده است، بسیار زیبا و دلنشین گردیده به نحوی که دارای جذابیت خاصی برای خواننده خواهد بود. به عنوان نمونه در بیان «وحی» که پیامبر (ص) بر مردم می‌خواند چنین آمده است:

«این آیات خدایی روشن و باشکوه، شیوا و خیره‌کننده، دلنواز و گاه بیم‌انگیز می‌نمود. نه شعر بود و نه خطبه، با سخنان کاهنان و خطیبان تفاوت داشت و با این همه موجی از شعر و رنگی از یک هنر بی‌نام در آن جلوه داشت و از این رو در دل‌هایی که از ذوق سخن بی‌بهره نبود تاثیر می‌کرد و از فرط قدرت و نفوذ چیزی از مقوله اعجاز تلقی می‌شد. کسانی که این سخنان را می‌شنیدند اگر باور نمی‌کردند این اندازه بود که از آن‌ها به شگفتی درمی‌آمدند.»^۴

کتاب **بامداد اسلام** با صفحات کم اما پرمحتوا و جامع، خواننده را با آن چه که از بدو تولد اسلام تا تاریخ

نگاهی به کتاب بامداد اسلام

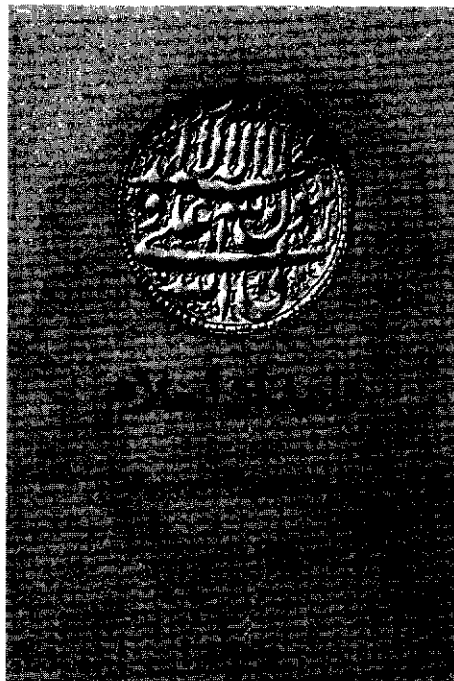
○ حجت‌الاسلام محمد فولادی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

○ بامداد اسلام

○ تالیف: دکتر عبدالحسین زرین کوب

○ ناشر: امیرکبیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۶.



گسترش آن روی داده است و نیز با شناخت کارهای عظیمی که در سایه آن «دین الهی» به وقوع پیوست آشنا می‌کند. افزون بر این، سرگذشت دگرگونی‌های فراوانی که حدود صد و بیست سال از آغاز اسلام تا پایان حکومت امویان بوجود آمده را در گزارشی مختصر اما تحلیلی و زنجیره‌ای برای او روشن می‌نماید.

اگرچه با مطالعه کتاب و به ویژه مراجعه به «گزیده مأخذ» خواننده به این نکته پی می‌برد که مولف محترم در به وجود آوردن کتاب بامداد اسلام به منابع فراوانی مراجعه نموده است و تمام آن چه را که آورده حتماً مستند به سندی نموده، اما متأسفانه با عدم اشاره مولف در هر قضیه تاریخی به منبع و مدرک آن، کار بررسی کتاب تا اندازه‌ای دشوار شده است. بنابراین، برای تطبیق بعضی موارد ذکر شده از سوی استاد که در وهله نخست پذیرش آن مشکل می‌نمود به ناچار مجبور شدیم آن مطلب را با چند منبع دست اول تاریخی تطبیق دهیم تا مطلب کاملاً روشن شود.

علاوه بر این، استاد زرین کوب در نوشتن کتاب بامداد اسلام تمام تکیه‌اش بر مستندات اهل سنت و جماعت و نوشته‌های مستشرقین است و با مقید بودن به رعایت «عدم تعصب» به نظر می‌آید در بعضی داورهای به راه صواب نرفته و با تاریخ مستند مطابقت نداشته باشد که در این مقاله سعی می‌شود بعد از - گزارش کوتاهی از محتوای کتاب - به آن موارد اشاره شود.

استاد زرین کوب بررسی سیر وجودی و پیشرفت‌های بعدی اسلام را از معرفی «اعراب و کعبه» آغاز کرده است که روش تمام مورخین تاریخ اسلام - مسلمان و غیرمسلمان - همین گونه است تا محیط و اجتماعی که آن دین در آن نشو و نما کرده را بشناساند و سهم آن دو را به خواننده بفهماند. مولف کتاب بامداد اسلام در بررسی محیط عربستان و مخصوصاً مکه تا آنجایی که لازمه هدفش در تدوین کتاب بوده به درستی عمل نموده است و به نقاط حساسی که در سرنوشت تاریخ اسلام تاثیر داشته، اشاره کرده است و کمتر به بررسی جغرافیای عربستان - چنانکه دیگر مورخان به آن پرداخته‌اند، پرداخته است. با این وجود به هر نکته‌ای که اشاره نموده ردیابی آن در سرگذشت بعدی اسلام، آن محیط و مردم می‌توان یافت. از اشاره به کوه‌های عربستان تا اقوام و قبیله‌ها و نام تپه‌ها و وضعیت آب و هوای آن، فرهنگ حاکم بر مردم و ادیان رایج در آنجا تا آنچه که مربوط به کعبه می‌شود، همچنین اوضاع اقتصادی و تجاری مردم، امنیت و عدم امنیت راه‌های آن دیار، جنگ و نزاع‌هایی که حاکم بر مردم و اجتماع آن جزیره بوده، فرهنگ‌های متفاوت و زبان و آداب و

حمزه و دفاع آنان از برادرزاده‌شان و نیز از انواع اذیت و آزارهایی که مردم مشرک نسبت به آن حضرت روا می‌داشتند یاد می‌کند. از نقش ابو جهل در شکنجه یاران محمد (ص)، از حصر مسلمین در شعب ابی طالب، پرده برمی‌دارد. از ایمان اوس و خزرج و مقدمه مهاجرت آن حضرت به مدینه نیز سخن به میان می‌آورد.

مطلب بعدی کتاب بامداد اسلام «پیغمبر در مدینه» می‌باشد.^۱ مولف در این فصل از راه جدیدی که برای مسلمین و جهانیان آغاز شده بود می‌نویسد و می‌فرماید: «به همین سبب بود که چند سال بعد - در عهد خلافت عمر بن خطاب - [مهاجرت] میدا تاریخ اسلام گشت».^۲

آنگاه به شرح وضعیت مدینه از جهت جغرافیایی و سکونت مردمی و قابلیت‌های اقتصادی آن می‌پردازد. و از شخصی به نام عبدالله بن ابی که از اشراف خزرج است یاد می‌کند و اقدامات او در ایام حکومت پیامبر (ص) در مدینه که سردهسته منافقین مدینه محسوب می‌شود. از روش پیامبر (ص) و تغییر فرهنگی آن مردم بعد از پذیرش اسلام، از برخوردهایی که مخالفین اسلام با مسلمانان داشته و جنگ‌هایی که صورت گرفته است به اختصار گزارش می‌دهد. از یهودیان مدینه می‌گوید و جنگ احزاب و نقش سلمان فارسی در حفاظت از شهر.

همین غزوه‌ها و سریه‌ها است که پیامبر (ص) را آماده فتح مکه می‌کند که مولف کتاب بامداد اسلام عنوان «محمد فاتح مکه» را انتخاب کرده و به شرح آن می‌پردازد.^۳ در همین قسمت صلح حدیبیه را توضیح داده و از گوشمالی یهود در برگشت از راه مکه می‌گوید و جنگ و صلح یهودیان خیبر و فدک را بیان می‌کند. از دعوت پادشاهان ایران و فرمانروایان مصر و حبشه و روم شرقی به اسلام توسط رسول خدا (ص) سخن رانده و سال هفتم هجری را سال بازگشت پیامبر (ص) به مکه برای زیارت کعبه و اسلام آوردن خالد بن ولید می‌داند. جنگ موته و تسلیم اعراب مجاور شام و سر

به انقیاد آوردن آنان را در همین فصل ذکر می‌کند. از فتح مکه و اسلام ابوسفیان و شکست هوازن در حنین و مقاومت ثقیف طائف، از آمدن هیئت‌های مختلف از گوشه و کنار مدینه برای اسلام آوردن، از گرفتن زکات و صدقات و رفتن پیامبر (ص) به سوی شام و رسیدن آنان به «تبوک» و صلح با نصاری و گرفتن جزیه از آنان می‌گوید. سال دهم هجرت، حجة الوداع پیامبر (ص) و ذکر مناسک و آداب حج که خود استاد زرین کوب چنین می‌گوید: «در حقیقت درین زمان رسالت محمد انجام یافته بود. شرک جاهلیت جای خود را به توحید اسلام داده بود، اعتقاد به پیغمبر و اعتقاد به حساب و کتاب به مردم تبلیغ شده بود، احکام و آداب نماز و

رسوم قبایل، اعتقاد و پای‌بندی اعراب به پرستش خدایانشان چه در سفر و چه در حضر را به روشنی نشان می‌دهد.

مولف محترم از آنچه که در نزد اعراب زشت و زیبا تلقی می‌شده نیز غفلت نکرده و به آن پرداخته است. از دیانتشان، از اینکه بدگویی از عقاید پدرانشان را بر نمی‌تافتند. مروت را سخت پاس می‌داشتند. از آن چه که مایه لذت آنان می‌شده دریغ نمی‌ورزیدند. زنا را مذموم نمی‌شمردند. قتل و غارت یک عادت بوده و قمار تفریح عام آنها محسوب می‌شده و ربا شیوه عام معاملاتی به حساب می‌آمده است.

استاد از مکه و جایگاه آن نزد اعراب سخن رانده و مناسک و مراسم عبادت در آنجا را متذکر شده است. از حمله ابرهه و اسباب عمده توجه مردم به مکه - کعبه - را نوشته است، از صحراهای مکه و قبایل به هلاکت رسیده و به عبرت تبدیل شده و ذکر حکایاتی از آن اقوام بی‌توجه نبوده است.

استاد فرزانه از عربستان خوشبخت که مربوط به سرزمین ملکه سبا و سلیمان پادشاه یهود بوده آگاهی می‌دهد و وضعیت دین و آیین آنها را به خواننده می‌فهماند.^۴

استاد زرین کوب بعد از معرفی عربستان به «پیغمبر در مکه» پرداخته و زندگی حضرت محمد (ص) از بدو تولد تا آنگاه که به مدینه مهاجرت می‌نماید را شرح می‌دهد. از طفولیت ایشان، از دوران جوانی و مسافرت‌هایی که به خارج از مکه داشته است، از ازدواج با خدیجه بنت خویلد، از اخلاق و رفتار استثنایی او، تا بعثت و رسالتش، از تلاش‌های پیامبر (ص) در دعوت مردم به دین اسلام و از پیام‌های قرآنی که او بر مردم می‌خواند. استاد در این مورد با زیبایی و تسلط درخور تقدیر، آیات الهی را به تناسب تمام برای نمونه بیان کرده است که خود نشان از ایمان مولف به کلام وحی دارد.^۵

استاد در همین قسمت به کسانی که در مقابل پیامبر (ص) به داستان‌سرایی و قصه‌های رستم و اسفندیار می‌پرداختند اشاره کرده و از یاری ابوطالب و



زرین کوب به همراه مادرش

روزه و حج و زکات آموخته شده بود، قوانین راجع به معاملات و حدود مقرر گشته بود، جزیره العرب فتح شده بود و مکه به اسلام تعلق یافته بود. مسلمین با پیوند اخوت به یکدیگر پیوسته بودند و شوق مقدسی همه را به نوعی وحدت هدف کشانده بود. نفاق و شقاق دیرین که زاییده جاهلیت و عصیبت بود جای خود را به مساوات و حریت داده بود...»^{۲۱}

در فصل دیگر، مؤلف به «پیام محمد» می پردازد و رسالت آن حضرت را طی بیست و سه سال دعوت خود عبارت می داند از «دیانت خدای یکتا»^{۲۲} و دعوت مردم به «عمل صالح»^{۲۳} و جایگزین نمودن «ایمان به خدای یگانه به جای کفر و پرستش بتها» که استاد در این فصل نیز با زیبایی تمام آیات مربوط به دعوت آن حضرت (ص) را ذکر می کند و ترس از خدا را منشاء و اساس اخلاق تازه ای می داند که «محمد (ص) تعلیم و توصیه کرده است»^{۲۴} ایشان «مبانی اخلاقی اسلام را منشاء تحول در سرنوشت اعراب و همه جهانیان دانسته که تماشای مبتنی بر «پاداش اخروی» می باشد»^{۲۵} و بعد از شمردن نمونه هایی از اخلاقیات اسلام نتیجه می گیرد که: «همین نکته هاست که در پیام محمد اخلاق را با دین در یک ترازو می نهد».^{۲۶} در همین فصل به ذکر مسجد قبا و تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه، حکم نماز عید و زکات فطر و... می پردازد. و آخرین حج پیامبر (ص) و قضیه «غدیر خم» و طرح ترور پیامبر (ص) و سرکشی اعراب و قضیه سلمه بن حبیب در یمامه و اسود عنسی در یمن و طلیحه بن خویلد در نجد و مهیا ساختن لشکری به فرماندهی اسامه بن زید را به خواننده می فهماند.

در همین فصل به مریضی پیامبر (ص) و بستری شدن ایشان و نگرانی او از آینده مسلمین، و... می پردازد.

استاد زرین کوب فصل دیگری در اثر خود گشوده است به نام «یادگار محمد (ص)» که اشاره دارد به قرآن و سنت آن حضرت. مؤلف از اصحاب پیامبر (ص) می گوید که خاطرات خود را با آن پیام آور بزرگ خدا همیشه یادآوری می کرده و سخنان او را نقل مجالس می نمودند. به قول استاد: «با این همه، حدیث پیغمبر در مجلسی نبود که نبود»^{۲۷} «حدیث او و سیرت او نمونه اعلائی ادب و اخلاق شمرده می شد و آرزوی پرهیزگاران آن بود که بتوانند در هر کار پای خود را جای پای او بگذارند. احترام فوق العاده ای که درباره او رعایت می کردند و ذوقی که در نقل و تکرار سخن او می یافتند سبب می شد که کلام او را همچنانکه خود او گفته بود - بی زیاد و کم - نقل و روایت کنند».^{۲۸}

مبحث بعدی کتاب بامداد اسلام «یاران پیغمبر» است که به اصحاب و یاران بنام پیامبر (ص) می پردازد

و از سختی هایی که در راه یاری محمد (ص) دیدند یاد می کند و در جملاتی کوتاه اما رسا و گویا آنانرا معرفی می نماید.

به دنبال بررسی اصحاب به دو نفر که نقش مهمی بعد از پیغمبر اسلام در سرنوشت آینده مسلمین ایفا کردند یعنی ابوبکرین ابی قحافه و عمرین خطاب با عنوان «دو پیر» می پردازد و از اختلافی که بین مسلمین - مهاجر و انصار - افتاده بود و نقشی که آن دو بازی کردند و توانستند خلافت را از انصار و بنی هاشم بیرون کشیده و ابوبکر با همدستی عده ای در سقیفه به خلافت برسد در حالی که هنوز پیامبر (ص) به خاک سپرده نشده بود. که میباید فتنه ای - به قول خودشان - برپا شود و حکومت نوپای اسلام از بی رهبری ضربه بخورد. سخن می گوید و مخالفت انصار و مهاجر و بنی هاشم متذکر شده و از قول سلمان فارسی در مخالفت با کار سقیفه گردانان می آورد که وقتی از این انتخاب باخبر شد با خشم و تهدید گفت: «کردید و نکردید»^{۲۹}

مؤلف از فتنه کسانی چون ابوسفیان سخن می گوید و از علی (ع) - مرد آگاه تمام میدان ها - که از جانب داری او بیزار می جوید و به قول زرین کوب: «درواقع این کودتا هرچند حق علی (ع) را که در سقیفه حاضر نبود و با وجود اصرار و تشویق عباس و ابوسفیان در مطالبه خلافت هم شتابی نداشت ضایع کرد لیکن اسلام را از خطری بزرگ - خطر جنگ داخلی - نجات داد»^{۳۰}

بعد از آن کتاب بامداد اسلام به مسئله ارتداد اعراب می پردازد که در شش جا اهل رده در مقابل مدینه صف آرایی می کنند.^{۳۱} و مبارزه و مقابله سخت ابوبکر با آنها و شکست اهل رده. آغاز بسط فتوحات و نشر دعوت اسلام به جانب عراق و شام که با وفات ابوبکر در سال سیزده هجری و جانشینی عمرین خطاب ادامه می یابد و فتوحات سرعت بیشتری به خود می گیرد و... بحث دیگر کتاب بامداد اسلام است. و به فرمایش استاد زرین کوب «دوره خلافت عمر (۲۳-۱۳) که روی هم رفته ده سالی طول کشید نه فقط دوره طلایی



شخصیت‌هایی چون ابوذر غفاری می‌گوید. از بدعت‌های عثمان و حرکت‌های او برخلاف سیره پیامبر (ص) و ابوبکر و عمر، از میدان دادن به مخالفین پیامبر (ص) از تصرف‌هایی که در بیت‌المال مسلمین می‌برد، از سوزاندن قرآن‌ها، از شورش مسلمین بر علیه او، از وساطت علی (ع) و در نهایت از قتل عثمان به دست شورشیان انقلابی مسلمان و بوجود آمدن «واقعه دار» سخن به میان می‌آورد.

فصل سیزدهم «درباره علی (ع)» است. از بیعت مردم و استتکاف علی (ع) و علت دوری جستن ایشان از پذیرش خلافت را روشن می‌کند: «از طلحه و زبیر و طمع آنان برای رسیدن به ولایت و مقام و ثروت، از عایشه همسر پیامبر (ص) و خونخواهی از علی (ع) از مقدمات جنگ جمل می‌گوید و پیروزی علی (ع) در آن جنگ، از برخورد امام علی (ع) با معاویه بن ابی‌سفیان و جنگ صفین و فریب یاران علی (ع) و مسئله حکمت و جدایی عده‌ای بنام خوارج و جنگ نهروان. استاد زرین‌کوب آنگاه که از عدالت علی (ع) می‌گوید و روش او در حکومت‌داری، قلم خود را در میدان سطور می‌چرخاند و سطرهای زیبایی را ترسیم می‌نماید و برای خواننده می‌گوید که او [علی (ع)] اهل مذهب و ریا و مسامحه و تبعیض در امر دین نبود و... و در پایان اوصاف جسمانی و چهره حضرت (ع) را به خواننده نشان می‌دهد.

«آغاز حکومت عربی» عنوانی است که در آن به حکومت معاویه پرداخته شده است و ذکر شده او پسر مردی است که در تمام مدت دعوت پیغمبر - جز دو سه سال آخر - با او جنگیده بود و اکنون فرزند او خلیفه پیغمبر شناخته می‌شد.^{۲۸} و به قول استاد زرین‌کوب: «منفعت‌جویی و فرصت‌طلبی را از پدرش ابوسفیان به میراث برد و کینه‌جویی نسبت به اسلام و مسلمین را از مادرش هند»^{۲۹} مولف کتاب از کارهایی که معاویه کرده و فتوحاتی که داشته، از مشاورین او و همچنین بدعت‌هایی که ایجاد کرد از جانشینی پسرش یزید و ولایت‌عهدی او، و از اینکه او به دنبال ایجاد یک حکومت عربی بود یاد می‌کند.

مولف کتاب «کارنامه یزید» را در فصل بعدی تورات می‌کند و معتقد است که «در تاریخ خلفاء هیچ نامی از نام یزید شوم‌تر و نفرت‌انگیزتر نیست».^{۳۰}

استاد به شهادت امام حسین (ع) می‌پردازد و از مخالفت عده‌ای دیگر از سرشناسان یاد می‌کند. از اعمال و رفتار زشت و غیراخلاقی یزید نام می‌برد و از خروج عبدالله زبیر می‌گوید و فاجعه مدینه و تخریب مکه، از مرگ یزید و خلافت کوتاه فرزندش معاویه و از به حکومت رسیدن مروان بن حکم و عبدالملک بن مروان و... سخن می‌گوید.

زوائد و نقل داستان‌هایی که کمتر در تحلیل تاریخ به کار می‌آید. بامداد اسلام سیری دارد مطابق با آنچه که مؤلف عالیقدر آن در یادداشت آغاز کتاب به آن معتقد بودند: «حماسه‌ای که به دست پیامبر اسلام آفریده شد و یک تنه دنیایی را تکان داد اما به اندک روزی پس از او حماسه‌اش در یک تراژدی پایان یافت».^{۳۱}

عنوان دیگری که استاد زرین‌کوب بجا از آن یاد می‌کند «خاندان پیغمبر» است و آنهم بعد از حاکمیت بنی‌امیه که بیشترین مقاومت در مقابل آنها از طرف آن خاندان صورت پذیرفت و هرگز حکومت آنها را به رسمیت نشناخت. این اختلاف از نظر مولف کتاب ریشه تاریخی دارد و به دوران نزاع بین هاشم بن عبدمناف و عبدالشمس که جداعلای بنی‌امیه به حساب می‌آید برمی‌گردد. پیامبر (ص) بعد از قرآن، خاندان خویش را بین پیروان خود باقی گذاشت. و فاطمه سرآمد همه آنان است که مؤلف در این باره بسط بیشتری داده است و از فدک سخن به میان آورده و اختلاف دختر پیامبر (ص) را با دو خلیفه - ابوبکر و عمر - بازگو نموده است. در همین عنوان از اقوام دیگر پیامبر (ص) نیز نام برده است. از عباس عموی پیامبر (ص)، از حمزه، از علی (ع)، از عقیل برادر علی (ع) و....

مولف محترم قسمت هفدهم را به بررسی عمل کرد «مروانیان» تخصیص داده و از عبدالملک بن مروان شروع می‌کند و چگونگی به حکومت رسیدن او را تشریح می‌کند و از مشکل او با عبدالله بن زبیر که نزدیک نه‌سال در حجاز داعیه خلافت داشت سخن می‌گوید. از حجاج بن یوسف ثقفی می‌گوید. از ولید و از سلیمان بن عبدالملک تا اینکه نوبت به «عمر بن عبدالعزیز» می‌رسد و از تفاوت حکومت و روش او در حکومت‌داری با دیگر اسلافش سخن می‌گوید. و حتی می‌گوید که در سال ۱۰۱ هجری قمری چه بسا با زهری که مروانیان به او دادند وفات یافت.

آخرین مطلب استاد زرین‌کوب عنوان «انتحطاط و سقوط دولت عربی» را دارد که دوران بعد از عمر بن عبدالعزیز را دربر می‌گیرد و روش حاکمان مروانی (مثل یزید بن عبدالملک و ولیدثانی یعنی ولید بن یزید را مورد بررسی قرار می‌دهد.

آخرین خلیفه مروانی «مروان بن محمد» بود که مادرش کرد بود و کتاب بامداد اسلام آخرین سخن را پیرامون او دارد و بدست عباسیان با همکاری ایرانیان سقوط کرد که علم‌های سیاه از خراسان و کوفه آمد و دولت مروانیان را درهم پیچید.^{۳۲} مرحوم استاد زرین‌کوب با روانی تمام، تصویری روشن از تاریخ صد و بیست ساله نخست اسلام را بیان داشته و خواننده را با فراز و نشیب‌های سرگذشت مسلمانان صدر اسلام آشنا می‌کند. بامداد اسلام کتابی است مختصر و به دور از

پی‌نوشت‌ها و توضیحات

- ۱) از جمله می‌توان کتابهای کارنامه‌ی اسلام، میراث صوفیه، تاریخ ایران بعد از اسلام و بامداد اسلام را نام برد.
- ۲) زرین‌کوب، عبدالحسین، بامداد اسلام، چاپ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۶، ص ۷.
- ۳) پیشین، ص ۷.
- ۴) همان، ص ۷.
- ۵) همان، ص ۲۴.
- ۶) امثال: تاریخ الطبری. تاریخ الامم والملوک. لابی جعفر محمدبن جریر الطبری، دارالتراث، بیروت. الامام ابی‌الحسن علی بن عبدالواحد الشیبانی المعروف بابن الاثیر الجزری، الکامل فی التاریخ، دارالفکر بیروت.
- احمدبن ابی یعقوب «ابن واضح یعقوبی» تاریخ یعقوبی، ترجمه آیتی، محمد ابراهیم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، سیدجعفر، چاپ چهارم، تهران ۱۳۷۲، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی (شرکت سهامی).
- ۷) زرین‌کوب، عبدالحسین، بامداد اسلام، صص ۹۱۹.
- ۸) همان، ص ۲۰.
- ۹) همان، ص ۳۱.
- ۱۰) همان، ص ۳۱.
- ۱۱) همان، ص ۳۶.
- ۱۲) همان، ص ۳۹.
- ۱۳) همان، ص ۴۰.
- ۱۴) همان، ص ۴۰.
- ۱۵) همان، ص ۴۲.
- ۱۶) همان، ص ۴۳.
- ۱۷) همان، ص ۴۳.
- ۱۸) همان، ص ۵۸.
- ۱۹) همان، ص ۵۸.
- ۲۰) همان، ص ۷۰.
- ۲۱) همان، ص ۷۱.
- ۲۲) همان، ص ۷۲.
- ۲۳) همان، ص ۷۳.
- ۲۴) همان، ص ۷۵.
- ۲۵) همان، ص ۸۳.
- ۲۶) همان، ص ۹۷.
- ۲۷) همان، ص ۹۷.
- ۲۸) همان، ص ۱۱۴.
- ۲۹) همان، ص ۱۱۴.
- ۳۰) همان، ص ۱۱۹.
- ۳۱) همان، ص ۱۵۵.
- ۳۲) همان، ص ۷.